



برای متن زیر نقطه بگذار



پیراهن بهشتی

درس هشتم

حضرت فاطمه (س) سراهن ساده‌ای به من داسب. پدر، برای اردوواح او ما حضرت علی (ع) تک سراهن بو، به حله آورد. حضرت فاطمه (س) به آن نگاه کرد. مادر حی برم و لطمی داسب. آن را کنار گذاسب ما حد لخطه بعد سوسد. در اس هنگام صدای در به گوس رسد. حضرت فاطمه (س) فرمود: «چه کسی در می رسد؟» کسی ما صدای صعیی گفب: «من ربی فرم. لباسی مدارم که به من کم.» حضرت فاطمه (س) در را مار کرد. من فرم گفب: «ار حادی رسول خدا تک لباس کسه می حوام ما به من کم.»

دل حضرت فاطمه (س) به درد آمد. نگاهس بحسب به سراهن بو و بعد به سراهن ساده‌ای که نوسده بود. اشاد. فکر کرد کدام تک را بدهد. سراهن بو برای عروسی اس بود. ماد کلام حدادد در فرآن اشاد که می فرماد: «هرگر سعادمند بخواهد سد مگر حبری را که دوست دارد به سارمدان بحسد.»

کلماتی که روی آنها ستاره قرار دارد ناقص هستند آنها را کامل کن.



درت فاطمه (س)، فور پیراهن نو را برداشت، به رف در رفت و باه ربانی آن را به زن داد. چشم زن فقیر، بر زد. درتش را به طرف سمان گرفت و د ا کرد. بعد با خ ش حالی زیاد از آنجا رفت. وقتی خبر به حضر محمد (ص) و حضرت علی (ع) رسید، آن‌ها از کار حضرت فاطمه (س)، خوش حال شد. دلی نکشید که جبرئیل، فرشته‌ی بزرگ خدا، به خان حضرت محمد (ص) آمد، خانه، بو بهشت گرفت. او پیران سبز و زیبا جلی حضرت گشت و گفب: «ای رسول خدا خدا به تو لام رساند و به من فرمان داد که به حضرت فاطمه (س) سلام برسا و ن لباس سبز بهشتی را برای او بیاور.» وقتی نگاه حضرت فاطمه (س) به لباس سبز بهشتی قناد، اشک‌ها جاری شد. ر بهشتی پیراهن خلی زد هم را به ناق حضرت فاطمه (س) کشاند.

از روی متن درس کلمات اشتباه زیر را درست کن.



لشیفی

لباسه کهنه

سدای

بوزورگ

حظرت
